انواع احتیاط در سوم الشک

صحبت در روایت ابن خالد بود؛ اصل اینکه امام فرمودند «لا علة و لاشبهة». متصورهایی از شبهه را تا ده مورد گفتیم. اما اینکه کدام یک از این شبهات میتواند مقصود امام علیهالسلام باشد، فضای دیگری است. من نگفتم این ده مورد، مقصود امام علیهالسلام است. فقط آنها را مطرح کردم. برخی از آنها محل بحث است. میتواند اختلاف شود. مثلاً قول منجم، بگوییم که اصلاً به آن اعتنائی نیست. وقتی عبارت خلاف شیخ را بخوانم میبینید. عبارت خلاف خیلی جالب است، میتواند موید روایت ابن خالد باشد. اگر هیوی و منجم چیزی گفت اصلاً ذرهای شبهه نیست. مرحوم شیخ گویا به تصریح میرسند که اگر منجم گفت و شما بهخاطر قول منجم سیام شعبان را روزه گرفتید، حتی بعداً معلوم شد که ماه مبارک بوده، مجزی نیست. پس قول منجم ایجاد شبهه نمیکند. شما دارای شبهه نیستید. یادتان باشد که من عبارت خلاف در این قسمت را بخوانم.

شبهه یازدهمی هم هست. در روایات هست. شق خوبی هم در قبال اختلاف در رؤیت است. بخش ملحقی بود که آثار علمی خوبی دارد. من قبل از اینکه بخش یازدهم را عرض کنم باید در توضیح حدیث و استظهار از حدیث جلو بروم. این استظهار برای شبهه یازدهم و آثاری که برآن باز میشود، کمک میکند. فعلاً عرض کردم در ظاهر روایت ابن خالد که امام علیهالسلام فرمودند: «أليس تدرون أنما ذلك إذا كان لا يعلم أنه من شعبان أم من شهر رمضان فصام الرجل فكان من شهر رمضان كان يوما وقق له، فأما وليس علة ولا شبهة فلا»، این «لا» به چه چیزی میخورد؟ «فلا» یعنی «لاوقق له»؟ یا «فلا» یعنی «لا استحباب لصوم الیوم الثلاثین»، بهعنوان استحباب خصوصی؟ یا به فرمایش آقا بهمعنای «لا احتیاط» است؟

در استظهار از این حدیث مطالب مهمی هست. الآن هم اعراض اصحاب را عرض میکنم. بعد خودتان چیزی که قبلاً چندبار عرض کردم را ملاحظه کنید که؛ تحلیل مبادی و مبانی بحثها و وسعت دادن به آن چطور ذهن را باز میکند برای جمع های در فضای روایات. این یکی از روایاتی است که در این باب خیلی پرفایده است. یعنی بهعنوان مثال و محکی است برای پرفایده بودن تحلیل مبانی و گستردهتر کردن آنها.

این روایت اگر بهمعنای احتیاط شرعی باشد، لذا فرموده سیام شعبان را احتیاط کنید. خب احتیاط دو جور است. گاهی احتیاط دائر مدار حکم است و گاهی حکمت است. حکمت این است که شارع فرموده مستحب است که سوم الشک را روزه بگیری از ناحیه او احتیاط بوده است. خب منافاتی ندارد در جایی حتی اگر احتیاط هم نبود مستحب باشد. ولی اگر احتیاط عقلی باشد، نکتهای که در احتیاط عقلی مطرح است، این است که احتیاط عقلی مراتب دارد. یعنی وقتی عقل میخواهد یک جا بگوید که احتیاط بکن، نقطه صفر شروع دارد. نقطه صفر شروع آن کجا است؟ همین که احتمال باشد. وقتی احتمال صفر است عقل میگوید احتیاط کجا است؟! اما اگر در واقع و نفس الامر احتمال صفر نباشد، عقل میگوید اگر احتیاط بکنی جایز است. ولی در احتیاط عقلی هر چه شبهات قویتر بشود و موتور برای انگیزه احتیاط بیشتر باشد، احتیاط عقلی اشد میشود. ریخت احتیاط عقلی صفر و یک نیست. وقتی عقل به ما میگوید خوب است احتیاط کنید، این خوب بودن تشکیکی است. اگر شبهه خیلی قوی است عقل میگوید خیلی احتیاط بکن. اما اگر ضعیف است عقل میگوید خب احتیاط کردی و اتفاقا مطابق با واقع بود. اما تأکید ندارد. این نکته در احتیاط عقلی هست که بعداً در نظام ارزشی هم میخواهم از آن استفاده کنم.

5:54

فعلاً در ذهنمان سه احتمال باشد، حالا احتیاط عقلی را جور دیگری بیان می‌کنیم. فعلاً در استظهار از حدیث دو احتمال مطرح است. «فلا» یعنی «لا استحباب لصوم الثلاثین عند عدم الشبهة و العلم». احتمال دیگر هم این است که «فلا»، یعنی «فلا وقف» که حکم وضعی است. اگر شبهه و علتی نباشد، فایده ندارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 14:01:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 14:10:56 توسط ... .